حدود عسکر آن ایزدی که حصول عقل است
اورا رساند است و مایل با عطای نکوئی
شکر گزاری لتکن علی رسوله
بالنصر منه علی نجاة المحل
نصرت از وی بر کسرو کافران و جاهلان
شکر بر عکس او دادن رسول خویش
کم فئة لا استطیع بلوغها
جهدا و لو اعملت طاقة مقولی
ای بسا فوجی که نتوانم شکر او رسید
کرچه سازم حرف و طاقت که دارم
انه اصبح فضله متظاهرا
منه علی سالف ام لم اسالوا
مر خدا را که در صبح فضل او عیان
بر من از وی بهر جستم یا جستم جهان
قد عاین الاحزاب منی تاییدا
جند النبی ذی البیان المرتل
لشکر بیعبر سکی رست او در نشان
بیکان دیدند احزاب چنین تایید
ما فیه موعظة لکل مفکر
ان کان ذا عقل و ان یتعقل
اندرین صورت بسی عبرت است مر هر کار را
کر بود عاقل و کر هم باشد الا بی عقل
قال علیه السلام یوم احد رواه محمد بن اسحق و ابو بکر بن مردویه
رایت المشرکین بعوا علینا
و لحوق الغوایة ذا الضلالة
منه نکار الویه و کرد دلیر مایرنی
کیند آورد اند و خی و ضلالت بر جان
و قالوا نحن اکثر ان انفرنا
غداة الروع بالاسل الطوال

حرب میکنند با ما بیمیم چون جنگ آریم
فان تنفوا و تقهروا اعلینا
بجزیة و تدوفی العرف الغوالی
کرچه کم باشند ما فخر هم می آورند
بهر حزم همت او در عرفا عوض غالی
فقد اودی بعتبة یوم بدر
و قد اودی و جاهد غیر آل
و له علیه السلام
و قد هلکت خیلهم ببدر
و اتبعت الهزیمة مالرجال
بسی در کشتند ما کشتیم و در بدر از آن لشکر
شدم در پی مردان هزیمت کرده در پی
و قد غادرت کبشهم جهارا
بحمد الله ملقیة فی المجال
فکندم در رسیدن آن شکار قوی هیچ ایشان را
بحمد الله که بود آن طلحه در جولانکه غوغا
فقتل یومه فرغت عنه
رقیق الحد حودت بالصقال
جوانی تا دکر بر روی خود بر داشتم از وی
حسام تیز دم تیغی که نوشت صیقلش بیدا
کان الملح فائقة اذا ما
تلقی کالعقیقة فی الفلال

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)